

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۱ اکتوبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی
مترجم: فریده نوری
قسمت ہژدہم

ای روز رفتگان جگر شب فرو درید
آن آفتاب از جگر شب بر آورید



دیپلوماسی بین المللی و ملی گرایبی:

در شروع، گرفتن کابل توسط تحریک طالبان افغان کدام مخالفت و عکس العمل جامعه بین المللی را همراه نداشت.

در ماه نوامبر 1996 میلادی اولیفیه روه (Olivier Roy) مضمونی در اخبار لومانده دیپلوماتیک (Le Monde Diplomatique)

نشر نمود: «همراه طالبان، شریعت و گزودوک Gazoduc».

پیدایش طالبان حاصل تحول دینامیک داخلی جامعه افغانی شناخته شد. مگر «گسترش سریع و گرفتن کابل به تاریخ 26 سپتامبر 1996 میلادی، بدون حمایت مستقیم پاکستانی ها و با موافقه امریکا و عربستان سعودی، در چهار چوکات یک پروژه بزرگ صادرات مواد سوخت از آسیایی میانه از طریق افغانستان و پاکستان غیر ممکن بود».

اما روابط به زودی به وخامت گرائید، زیرا مخالفین رژیم طالبان موفق می شوند تا یک مقاومت بسیار کوچک را نگه کنند، با وجود پیشرفت سریع تحریک در تمام کشور.

نزدیک شدن با القاعده:

بنیاد گرای و ملیت گرایی:

تحول ارتباطات بین امارت اسلامی طالبان و جامعه بین المللی نظر به نزدیک شدن طالب ها با شبکه های ملیشه های عرب و حضور شان در داخل خاک افغانستان سبب گردید تا مورد اعتراضات جامعه بین المللی قرار بگیرند.

اعتراضات و به رسمیت نشناختن رژیم طالب ها توسط جامعه بین المللی به بنیاد گرایی و ملیت گرایی آن ها افزود.

این بنیاد گرایی رژیم به ویران نمودن بت های بامیان انجامید، قسمت بزرگ این حوادث ارتباط می گیرد به اهمیت گرفتن از حد زیاد اسامه بن لادن در رژیم طالب ها.

توجیهی که توسط ملا محمد عمر برای ویرانی بت های بامیان داده شد، همانا خصومت جامعه بین المللی به مقابل رژیم شان بود، و اهمیت دادن از اندازه زیاد به این واقعه را از طرف رسانه های بین المللی، طالب ها محکوم نموده و محکومیت رژیم شان را با ویرانی مجسمه ها غیر قابل قبول تلقی نمودند. بر علاوه یاد آوری نمودند که مردم افغانستان از چندین سال پیهم، یک خشکسالی شدید را بدون کوچکترین همبستگی، کمک و همکاری جامعه بین المللی، متحمل گردیده اند.

به تاریخ 25 سپتامبر 2001 میلادی، جورج بوش (G . W . Buch) از امارت اسلامی افغانستان تقاضا نمود تا اسامه بن لادن و بقیه اعضای مهم القاعده را که در افغانستان حضور دارند به دولت امریکا تسلیم نمایند.

ملا محمد عمر به این تقاضای شان، نظر به این که اسامه بن لادن منزلت مهمان را دارد، به درخواست امریکا جواب رد داد.

اصطلاح میلمستیا از جمله اصول و مقررات می باشد که محمد عمر به حیث میزبان به هیچ قیمت اسامه بن لادن را که مهمان وی بود به امریکا تسلیم نکرد. مقررات و آیین پشتون ها (پشتونوالی) دارای سه پایه اساسی است، اولی میلمستیا، دومی انتقام یا بدل و سومی بخشش یا ننواتی.

خیلی مهم است اشاره شود که رسوم قبیلوی یک سیستم دستورات بسیار سخت گیر نمی باشد، و هر گروه محلی از خود مقررات و قوانین مختص به خود شان را داشته و از همین طریق قوانین و رواج های شان، خود شان را مشخص می سازند. و در نزد شان بسیار معمول است که یک شخص یک عمل یا یک تصمیم خود را با گفتن «زه مونگ رواج دی Zé mung Rawâj day» تصدیق کند.

در حقیقت اصطلاح پشتونوالی یک برداشت از گذشته ست که با معیار های هم عصر و هم زمان مطابقت داده می شود. به عباره دیگر مقررات و رسم و آیین های (پشتونوالی) دلالت به یک پدیده تغییر ناپذیر نکرده و قابل انعطاف می باشد که در سه دهه اخیر به صورت متواتر تفسیر دوباره گردیده است.

بالاخره این هم خیلی مهم است تا به آن اشاره گردد که مجبوریت های میزبان در مقابل مهمان تنها متعلق به پشتون ها نمی باشد، بلکه در حقیقت این سیستم ارزش به صورت بسیار وسیع در نزد دیگر قطعات مردم کشور و در اقوام دیگر نیز موجود می باشد.

شهر پشاور و حومه آن، مخصوصاً منطقه مسکونی حیات آباد، منطقه که در آن جا اکثریت فامیل های مرفه مجاهدین افغان، با اولین تحولات مهم آشنایی پیدا می کنند.

روی کار آمدن نمایندگی های احزاب مختلف سیاسی مقاومت مانند پیدا شدن یا روی کار آمدن دفاتر عامه (مکتب المخدمات maktab al- mukhadamât) به ابتکار عبدالله اعزام صورت گرفت و یک فضای تازه عکس العمل های متقابل را با به دوران انداختن پول های هنگفت و عدم اتصال آن به همراهی جبهه های مختلف داخلی در داخل قلمرو افغانستان به وجود آورد.

به باشندگان حیات آباد، و اکثریت آن هائی که با این منطقه سر و کار داشته و رفت و آمد می نمودند توسط آن عده افغان هائی که زندگی محقر داشتند، و مجاهدین که در داخل جبهات داخلی جنگ می کردند به صورت طنز آمیز «مجاهدین بکس دار» نامیده می شدند، در حقیقت انگشت انتقاد بالای شان به دلیل این بود که تعهد شان در مقاومت در حقیقت یک فرصتی را برای شان مساعد نمود که خلاصه می شد به سرازیر شدن دالر در شهر پشاور که تقدیم شان می گردید.

تشریحات مفصل از فضای پشاور در سال های 1980 - 1990 میلادی، نشان دهنده بیجا شدن یک مرکز ثقل سیاسی و اقتصادی افغانستان در پاکستان، و یک روی دیگر دینامیک پشاورى هاست که با سرازیر شدن کمک های بین المللی نشان داده شده است.

دو نوع تیکه داران از این سرازیر شدن پول های بین المللی مستفید می گردیدند:

یکی تیکه داران سیاسی، که از پول های بین المللی که برای جهاد و پناهجویان فرستاده می شد. و دیگر آن های که به صورت بسیار زیاد با ساختار های کمکی ارتباط داشته و با دسترسی به زبان انگلیسی در داخل کمپ ها فعال بودند (Kamp Khân).

به صورت بسیار گسترده پوهنتون پشاور، آن جایی که چهره های بزرگ سیاسی مانند عبدالرب رسول سیاف و عبدالله اعزام اسلام سیاسی را تدریس می نمودند، یک فضایی تبادل افکار و تأثیرات متقابل بود.

اگر اشتراک نمودن ملیشه های عرب در درگیری های سال های 1980 میلادی کم بود، لکن یک هسته سخت و محکم ایدیولوژیکی سلفیزم در ابتدا به دور عبدالله اعزام گذاشته شد، که وی از جهاد افغانستان منافع زیاد به دست آورد، زیرا وی به صورت بسیار وسیع و فصلی جهت جذب سعودی ها عمل می نمود، که برایش عنوان «jihad tour» داده بودند.

ایدیولوژی سلفیزم که به عربی سلفیه جهادیه گفته می شود، عبارت از ایدیولوژی ست که در بین سال های 1980 و 1990 میلادی هویدا گردید.

این پدیده منشاء یا آغاز یک شکل جدید ایدیولوژی فراملتی می باشد. «jihad international» دوکتورین اسلام سلفی به عربی (السلفیه)، ادعای یک اسلام فراملتی را تقاضا می کنند، یا به عباره ساده اسلام سلفیست برای دنیای مسلمانان سرحد نمی شناسند و خواستار یک دولت اسلامی و رجعت به خلافت می باشد. این جریان جهادی در زمان مقاومت افغان ها علیه شوروی ها توسط متفکرین این ایدیولوژی که تحت تأثیر تیورسین ها و ایدیولوژیست های مسلمان سلفیست جهادپست مانند سید قطب (Sayed Qutb)، ابو قنّده (Abou Qatada)، ابو موصعب السوری (Abou

(Abou Mohammad al - Moqadisi) و ابو محمد المقدسی (Moussab al - Sour)

پدیدار گردید، که برخاسته از ایدیولوژی جنبش برادران مسلمان می باشد.

این ایدیولوژی مشخصه جنبش القاعده، دولت اسلامی و بعضی ساختار های خودمختار دیگر می باشد. سلفیست جهادیت توسط رقبای خود، مسلمانان دیگر به نام تکفیری (Takfiri) و یا خوارج (Khâridjites) یاد می شوند.

تحریک طالبان افغان نشان دهنده تعداد زیاد ابهامات و گنگی ها از نقطه نظر پلان هویتی می باشند. که یک قسمت بزرگ آن برمی گردد به دینامیک ماحول سیاسی منطقوی برخاسته از جایی می باشد، که در آن رشد نموده اند.

ادامه دارد